

یافته‌های پزشکی نوین و تأثیر آن در فهم روایات طب

محمد رضا شاهرودی^۱، رامین اژدری^۲

چکیده

سنت معصومان (ع) پس از قرآن کریم، یکی از منابع اصلی شناخت دین محسوب می‌شود و درک صحیح از روایات، نقش مهمی در جلوگیری از سوء برداشت‌های اعتقادی و اجتماعی خواهد داشت؛ از این رو توجه به قواعد فهم درست احادیث که مستخرج از رهنمودهای ائمه باشد، امری ضروری است. در طول تاریخ، همواره اهمیت رجوع به سخنان اهل بیت (ع) در کنار قرآن، مورد تأکید اندیشمندان اسلامی بوده است؛ زیرا این روایات، در تبیین بسیاری از آموزه‌های دینی و اخلاقی نقش کلیدی ایفا می‌کنند. یافته‌های قطعی علوم بشری به‌عنوان یکی از معیارهای مهم در فهم درست احادیث می‌توانند در تشخیص صحیح از سقیم و اعتبارسنجی متون روایی نقش کلیدی ایفا کنند؛ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی تأثیر علوم پزشکی نوین بر درک صحیح روایات طب پرداخته و نشان داده که یافته‌های علمی، به‌ویژه در حوزه پزشکی، می‌توانند در تحلیل بهتر این متون نقش مؤثری داشته باشند. به‌ویژه در دوره معاصر که دستاوردهای علمی رشد چشمگیری داشته، اهمیت این تعامل دوچندان شده است. در برخی موارد، تعارض ظاهری میان احادیث و علوم تجربی مشاهده می‌شود که با بررسی دقیق‌تر متن و در نظر گرفتن اصول فهم حدیث، می‌توان به سازگاری یا تأویل منطقی آن‌ها دست یافت. بررسی نمونه‌هایی همچون تعیین جنسیت جنین و قاعدگی زنان، نشان می‌دهد که تعامل میان علوم پزشکی و حدیث، به روشن‌تر شدن مفاهیم دینی و اصلاح برداشت‌های نادرست کمک شایانی می‌کند. این امر نه تنها باعث می‌شود باورهای دینی بر پایه استدلال و آگاهی استوار شوند، بلکه می‌تواند نقش مؤثری در پاسخ‌گویی به شبهات عصر حاضر داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: جنسیت جنین، روایات طب، علم پزشکی، فقه الحدیث، قاعدگی

*۱. نویسنده مسئول. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. mhshahroudi@ut.ac.ir
*۲. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. ramin.azhdari1398@ut.ac.ir

۱. مقدمه

پس از قرآن کریم، سنت معصومان (علیهم‌السلام) به‌عنوان مرجع اصول اعتقادی، فروع فقهی و قوانین اخلاقی و اجتماعی اسلام، جایگاه والایی در میان مسلمانان دارد. به همین دلیل، علمای دین همواره در گردآوری و حفظ سخنان پیامبر (ص) و ائمه (ع) کوشیده‌اند و مجموعه‌های حدیثی گران‌قدری فراهم آورده‌اند. در کنار این تلاش‌ها، فهم صحیح و علمی احادیث نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ امری که در روایات با عنوان «درایة الحدیث» شناخته می‌شود. در آموزه‌های امامان شیعه، فهم دقیق حدیث برتر از نقل هزار حدیث دانسته شده (۱)، چراکه نفهمیدن و یا بدفهمی حدیث می‌تواند آثار منفی جدی‌تری نسبت به نشنیدن آن داشته باشد.

در بسیاری از انحرافات و فرقه‌های دینی، سوءبرداشت از متون دینی و به‌ویژه احادیث، نقش اصلی را ایفا کرده است. به‌کارگیری معیارهای صحیح فهم حدیث بر اساس رهنمودهای اهل بیت (ع)، موجب اعتدال در پذیرش روایات شده و مانع از پذیرش یا رد شتاب‌زده احادیث می‌شود. همچنین در کشف مقصود معصومان از احادیث اعتقادی، فقهی و تفسیری مؤثر است (۲).

هر پژوهشگر دینی برای بهره‌مندی صحیح از احادیث، باید دو مرحله روش‌شناسی و آسیب‌شناسی فهم حدیث را طی کند. در گام نخست، فراهم آوردن شرایط لازم برای فهم درست و در مرحله بعد، شناسایی موانع و آسیب‌های احتمالی ضروری است. یکی از مهم‌ترین قرائن در این مسیر، بهره‌گیری از یافته‌های قطعی علوم روز به‌ویژه در پزشکی است که درک منطقی‌تر از احادیث را ممکن می‌سازد.

بر پایه یافته‌های علمی دانش‌های مرتبط با حدیث، یکی از شرایط ایجابی و قراین خارجی که به ما در فهم احادیث کمک می‌رساند، علوم قطعیه روز است (۳)؛ به‌ویژه اینکه بخشی از دانش بشری با توجه به پیشرفت روزافزون، در حال

حاضر به قطعیت رسیده و به‌صورت قانونی ثابت پذیرفته شده است. از آنجاکه معصومان (ع) خودآگاه‌ترین افراد بشر به همه علوم و معارف بوده‌اند و گفته‌های آنان از منبع حق سرچشمه می‌گیرد، از این‌رو امکان درک و فهم احادیث ایشان با یافته‌های مسلم علمی کاملاً معقول است. از این‌رو می‌توان یافته‌های قطعی علمی و عقلی مخصوصاً در علوم پزشکی را از جمله معیارهای فهم احادیث برشمرد و در تشخیص صحیح از سقیم، از آن بهره جست.

۲. پیشینه و روش پژوهش

بحث از اصول فهم و مقصود واقعی کلام معصومان موردتوجه ایشان و اصحاب بوده و از عصر آن بزرگواران و توسط خود ایشان ابداع گردیده است و همین امر، موجب شده تا علمای دین در گردآوری و حفظ کلام پیامبر و اوصیای ایشان بکوشند (رک: کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق؛ صدوق، ۱۴۰۳ ق) و بر اساس رهنمودهای ایشان، قواعدی که به فهم درست حدیث کمک می‌نماید، استخراج نمایند (رک: مسعودی، ۱۳۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰) یکی از اصول مستخرج از روایات، نقش علم روز در فهم درست است که توسط پژوهشگران این عرصه موردتوجه قرار گرفته است (دلبری، ۱۳۹۶). برخی از پژوهشگران نیز تلاش نموده‌اند این قاعده را در روایات طبی موردبررسی قرار دهند؛ به‌طور مثال مهدی مهریزی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «درآمدی بر جایگاه روایات پزشکی» ضمن گزارش از مصادر حدیثی مرتبط با پزشکی، به چگونگی تعامل با این روایات پرداخته است. همچنین علی نصیری (۱۳۸۷) در «تبارشناسی روایات طبی» در تلاش است تا به سؤالاتی در زمینه اعتبار روایات طبی پاسخ دهد؛ پژوهش «روایات طبی؛ تبار و اعتبار» از عبدالهادی مسعودی (۱۳۹۷) با پیشنهاد «راه‌حل گفت‌وگوی گام‌به‌گام مشارکتی» به دنبال پاسخی به «تبارشناسی، معناشناسی و اعتبارسنجی» روایات طبی است.

فرضیه‌های علمی تا وقتی که به حد قطع یا اطمینان عقلایی نرسیده حکایت قابل اعتمادی از واقع ندارند و فاقد ارزش ایجاد تردید در خبرند (۹). از سویی دیگر اگر میان یک یافته علمی که با استقرای تجربی حاصل شده و دلیل نقلی که جهت دلالت و صدور آن قطعی و یقینی باشد تعارضی رخ دهد، با توجه به غیر یقینی بودن استقرا، عقل دلیل نقلی را مقدم می‌کند؛ زیرا روش علم تجربی تنها مفید ظن است و دستاوردهای آن نمی‌تواند با یقینیات و ضروریات دین معارضه کند (۱۰).

نکته دیگر اینکه چنانچه علم یقینی مانند کروییت زمین، گردش زمین به دور خود و خورشید، جاذبه زمین و امثال آن (۱۱) با روایت دچار تعارض شد، می‌توان به علم یقینی به‌عنوان مالک و معیار سنجش روایت استناد کرد و از آن بهره برد؛ لذا علمای شیعه برهان عقلی را که در تعارض غیرقابل جمع با روایتی ببینند، روایت را کنار می‌گذارند. البته هر ادعایی را نمی‌توان حکم قطعی عقل دانست؛ بلکه حکم عقل زمانی قطعی تلقی می‌شود که مطابق با قوانین علمی باشد. (۱۲)

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که اتکاء به رهاوردهای علمی به‌عنوان معیار قطعی برای رد یا اثبات یک روایت تا زمانی حجت دارد که دلیلی بر نقض آن رهاورد از جانب شرع و یا عقل موجود نباشد در غیر این صورت نمی‌توان به‌عنوان معیار بدان تکیه نمود (۱۳)، همچنین رک: (۱۴)؛ چراکه ممکن است آن‌ها پس از مدتی ابطال گردند.

۴. علوم پزشکی و روایات طب

تعداد قابل توجهی از روایات رسیده از اولیای دین دارای محتوایی غیردینی و حوزه‌هایی همچون سماء و عالم را فرامی‌گیرد. از این میان در برخی از این روایات، مباحث مختلفی از علوم متعدد پزشکی، بهداشت، تغذیه و... سخن به میان آمده است. قطعاً تعدادی از این روایات همانند آیات قرآن کریم دارای مدالیل قطعی بوده و نه تنها با دستاوردهای علمی بشر تعارض

سید کاظم طباطبایی و محمدباقر (۱۳۹۷) نیز با نگارش «محتوی» و «استناد» در روایات طبی» به دنبال تبیین گستره تحلیل «محتوی» و «استناد» در حوزه روایات طبی هستند و به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد مواجهه با روایات طبی، می‌بایست همراه با یک مواجهه علمی در نحوه جمع‌آوری روایت، تحلیل محتوی، مرحله آزمایش و نتیجه‌گیری باشد.

همان‌گونه که ملاحظه شد پرداختن به روایات طبی با نگاه حدیث پژوهانه بسیار مورد تأکید پژوهشگران بوده است؛ اما کمتر به این مسئله پرداخته شده که علوم پزشکی نوین چه کمکی می‌تواند در فهم درست روایات طبی داشته باشد. ما در این نگاره با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به این موضوع خواهیم پرداخت و در دل این بررسی‌ها برخی روایات طبی مرتبط را نیز خواهیم آورد.

۳. نسبت علم و حدیث

بعد از رنسانس، جهان غرب شاهد رشد سریع علوم جدید بود؛ اما این علوم در درون خود، نطفه تعارض با دین هم داشت؛ لذا مسئله‌ای به نام «تعارض علم و دین» را به وجود آورد (۴). بعدها به تدریج این مسئله به شکل یک مسئله کلامی درآمد و با عنوان نسبت علم و دین، موضوع مطالعه فیلسوفان دین قرار گرفت. برخی از مخالفان اسلام نیز با استفاده از تعارض کلیسا با علم در عصر روشنگری اروپا و قیاس آن با اسلام، شبهاتی را در باب تعارض علم نوین با اسلام مطرح نمودند که البته اسلام از آن میرا و قیاس انجام شده مع الفارق بود؛ زیرا بنای قرآن که اساس اسلام است، با علم مطابق^۱ و تمام متعلقات آن نیز مرتبط با «علم» بود (۵). بدین منوال پذیرش علم و یافته قطعی بشر به‌عنوان معیار مورد توجه بزرگان شیعه بوده است (۶)؛ همچنین رک: (۷؛ ۸)؛ اما باید توجه داشت که این یافته‌های تجربی

۱. فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ؛ بدانید که این کتاب به علم خدا نازل شده (هود/۱۴).

ندارد، بلکه می‌تواند حقانیت دین مبین اسلام را اثبات کرده و راهگشای بسیاری از دانش‌ها قرار گیرند (۱۲). با این وجود، برخی، صحت گزاره‌های علمی مطرح شده در احادیث طبی را انکار کرده و در تلاش برآمده‌اند برداشت‌های متعارض نمای خود از پاره‌ای از روایات را با یافته‌های علوم پزشکی در تقابل قرار دهند آن‌سان که عرصه فضای مجازی نیز جولانگاهی برای این شبهات در این زمینه شده است. این شبهات باعث شد تا محققان اسلامی، بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های خود را به مباحث میان‌رشته‌ای اختصاص داده و به اثبات این مدعا بپردازند که میان نقل صحیح و قطعی و حقایق علوم تجربی تعارضی نیست (۱۵).

در ذیل به ذکر دو روایت از روایات طبی که با ضابطه دانش متقن روز مورد واکاوی قرار گرفته و بر اساس آن، فهم تا سرانجام تطابق یا تعارض آنان با علوم قطعیه ثابت شده، بیان می‌گردد:

۱/۴. نمونه‌ی چالشی تطابق روایات طبی با علم پزشکی

یکی از مواردی که در ظاهر، نمونه‌ای بر تعارض روایات طبی با علم پزشکی، ولی در باطن، نمونه‌ای از تطابق میان این دو قلمداد می‌شود، بحث عامل تعیین جنسیت جنین است. از دید برخی منتقدین به روایات پزشکی، علم ژنتیک که دو قرن از عمر آن می‌گذرد و در همین مدت کوتاه توانسته به دستاوردهای جدیدی در زمینه توارث، انتقال خصوصیات جانداران از نسلی به نسل دیگر و چگونگی تولیدمثل گیاهان، حیوانات و انسان‌ها دست پیدا کند (۱۶)، اثبات کرده که آن چیزی که سبب تعیین جنسیت جنین می‌شود، نحوه ترکیب کروموزوم جنسی مرد با زن است و بسته به اینکه اسپرمی که با تخمک زن ترکیب شده واجد کدامیک از دو کروموزوم X یا Y باشد، جنین دختر یا پسر خواهد شد و این نتایج علمی با برخی روایات پیامبر (ص) مبنی بر اینکه «اگر منی مرد بر منی زن غلبه و سبقت پیدا کند، فرزندی پسر خواهد شد و اگر برعکس شود، فرزندی دختر خواهد

بود» در تعارض آشکار است؛ چراکه عامل تعیین جنسیت در این روایات چیزی جدای از ترکیب کروموزوم‌هاست (منبع: کانال‌های الحادی در فضای مجازی).

تفصیل ادعا

پس از اختراع میکروسکوپ در سال ۱۶۷۷، «لیون هوک» و شاگردش «جان هام» موفق به کشف اسپرم در «منی» مرد شدند. در سال ۱۸۲۷ نیز «تخمک‌ها» در تخمدان زن کشف گردید. با کشف این دو، نظریات نوین درباره تولیدمثل و پیدایش جنین شکل گرفت. در قرن هجدهم، موپرتویس^۱ تئوری میراث والدین^۲ را ارائه کرد و در ۱۸۷۵ «هرتویگ»^۳ چگونگی لقاح اسپرم و تخمک را توضیح داد (۱۷) که مبنای نظریه توارث کروموزومی شد. طبق این نظریه، سلول انسان دارای ۴۶ کروموزوم است؛ ۲۳ زوج که یکی از آن‌ها کروموزوم جنسی و بقیه اتوزوم (۱۸) هستند.

در هر آمیزش، ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرم وارد دستگاه تناسلی زن می‌شود و حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد به تخمک می‌رسند که تنها یکی لقاح می‌یابد. جنسیت جنین در لحظه لقاح و با نوع کروموزوم جنسی اسپرم مشخص می‌شود (۱۹)؛ ۲۰؛ ۲۱؛ ۲۲). تفاوت میان اسپرم‌های X و Y، مبنای روش‌های انتخاب جنسیت در دنیاست (۲۳). اسپرم Y عمر کوتاه‌تری دارد اما تعدادش بیشتر است و همین باعث تعادل آماری تولد دختر و پسر می‌شود؛ به‌طور طبیعی در برابر هر ۱۰۰ دختر، ۱۰۲ پسر متولد می‌شود.

با وجود پذیرش این یافته‌ها در علم ژنتیک، برخی مسلمانان بر اساس روایات، تعیین جنسیت را به سبقت آب مرد بر زن نسبت می‌دهند که این دیدگاه با نتایج علمی تضاد دارد (منبع: کانال‌های الحادی در فضای مجازی).

1. Maupertuis
2. Biparental Inheritance
3. Hertwig

تحلیل روایت

احادیث مورد استناد در این متن بخشی از خانواده حدیثی هستند که در جوامع روایی شیعه و سنی با مضمون مشابه اما لفظ‌های متفاوت آمده‌اند. برای مثال، پیامبر (ص) در پاسخ به سؤال ام‌سلمه در مورد علت تشابه فرزند به والدین می‌فرماید: «مَاءِ الرَّجُلِ غَلِيظٌ أَبْيَضُ، وَمَاءِ الْمَرْأَةِ أَصْفَرٌ رَقِيقٌ، فَأَيُّهُمَا سَبَقَ أَوْ عَلَا أَشْبَهَهُ الْوَلَدُ» (۲۴؛ ۲۵؛ ۲۶). در روایتی دیگر در پاسخ به سؤال یک یهودی، علاوه بر تشابه، مسئله تعیین جنسیت نیز مطرح شده و پیامبر می‌فرماید: «آب مرد سفید و غلیظ است و آب زن زرد و رقیق است؛ اگر آب مرد غالب باشد فرزند پسر می‌شود، اگر آب زن غالب باشد فرزند دختر خواهد شد» (۲۷). همچنین در مسئله تشابه فرزند به عمو یا دایی و خاله نیز از رسول خدا (ص) سؤالاتی مطرح می‌شده است (۲۸). از این دست روایات در منابع روایی موارد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به الصحيح بخاری، ج ۵، ص ۳۲۰ و الصحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۲ و المسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۳۱۱ و ص ۲۸۶ و سنن النسائی، ج ۱، ص ۱۱۰ اشاره کرد.

قبل از تحلیل این روایات، لازم است به واژگان حدیث توجه کنیم و علت اختلاف برداشت‌ها را از زاویه واژه‌شناسی بررسی نماییم. واژگان «سبق»، «علو» و «غلبه» در این روایات باعث اختلاف نظرهایی در برداشت‌ها شده‌اند. واژه «علو» به معنای برتری و رفعت است (۲۹؛ ۳۰) که گاهی به معنای غلبه نیز به کار می‌رود (۳۱). «سبق» به معنای پیشی گرفتن است و گاهی به معنای غلبه استفاده شده (۲۹؛ ۳۲؛ ۳۳). واژه «غلبه» نیز به معنای چیره شدن است (۳۱؛ ۳۴).

اختلاف در برداشت از برخی لغات همچون «علا» و «سبق» سبب اختلاف فهم شده است (رک: ۲۳؛ ۳۵؛ ۳۶)؛ به‌طور کلی در روایات مورد اشاره، با دو موضوع «مذکر یا مؤنث بودن» و «شبهت به عمو یا خاله» سروکار داریم که گاه موجب خلط

شده؛ لذا برای برون‌رفت از این چالش، ملاصالح مازندرانی در شرح اصول کافی، این روایات را به چهار دسته تقسیم می‌کند: (۱) اگر مرد زودتر انزال کند و مقدار منی او بیشتر باشد، فرزند مذکر و شباهت به پدر خواهد داشت. (۲) اگر زن زودتر انزال کند و مقدار منی او بیشتر باشد، فرزند مؤنث و شباهت به مادر خواهد داشت. (۳) اگر مرد زودتر انزال کند ولی مقدار منی زن بیشتر باشد، فرزند مذکر خواهد شد ولی شباهت به مادر دارد. (۴) اگر زن زودتر انزال کند و مقدار منی مرد بیشتر باشد، فرزند مؤنث خواهد شد ولی شباهت به پدر خواهد داشت (۳۷).

ابن حجر عسقلانی نیز به دو عامل اشاره می‌کند (۳۶): «علو» را به معنی کثرت حجم منی و «سبق» را به معنی تقدم در انزال می‌داند؛ اما برخلاف او به نظر ابن‌قیم، سبق در انزال باعث شباهت فرزند به والدین و علو حجم منی، باعث تعیین جنسیت فرزند می‌شود (۳۸).

به نظر می‌رسد از میان این برداشت‌ها، سخن ابن‌قیم به صواب نزدیک‌تر است. چراکه طبق علوم پزشکی، اسپرم مرد نقش تعیین‌کننده‌ای در جنسیت جنین دارد و اگر تعداد اسپرم‌های (Y) در منی مرد بیشتر باشد، به همان اندازه احتمال پسر بودن جنین بالاتر می‌رود و بالعکس.

با توجه به این تحلیل‌ها، واژگان «علو» و «سبق» ممکن است به معنای غلبه یکدیگر باشند. در نتیجه، حدیث «فَإِذَا اجْتَمَعَا فَعِلَا مِنِّي الرَّجُلِ مِنِّي الْمَرْأَةُ أَدْرَكَرَا يَأْذَنُ اللَّهُ وَإِذَا عَلَا مِنِّي الْمَرْأَةُ مِنِّي الرَّجُلِ أَثْنَا يَأْذَنُ اللَّهُ» (۲۴) به این معنا است که اگر اسپرم مرد (با ویژگی Y) بر اسپرم زن (با ویژگی X) غالب شود، جنین پسر خواهد شد و برعکس، اگر اسپرم زن (با ویژگی X) غالب شود، جنین دختر خواهد شد.

با این توصیف از واژگان «علو» و «سبق»، روایت «إِذَا عَلَا مَاءُهَا الرَّجُلِ أَشْبَهَهُ الْوَلَدُ أَخْوَالَهُ وَإِذَا عَلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءُهَا أَشْبَهَهُ أَعْمَامَهُ» (۲۴) نیز چنین فهم می‌شود که چون خصوصیات

یافته‌های پزشکی نوین و تأثیر آن در فهم روایات طبی

ظاهری و وراثتی فرزند بستگی به ژن‌های وراثتی پدر یا مادرش است، لذا به نظر می‌رسد که هرگاه خصوصیات وراثتی حامل در اسپرم مرد بر خصوصیات وراثتی حامل در تخمک زن غلبه کند، در آن صورت فرزند شبیه پدرش یا عموهایش خواهد شد و بالعکس.

در تفسیر دیگری که توسط معاصران مطرح شده، به تأثیر خاصیت قلیایی منی مرد و خاصیت اسیدی منی زن پرداخته شده است (۳۹). طبق پایه نامه آزمایشگاهی سازمان بهداشت جهانی (WHO) که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد، pH منی مرد بین ۷٫۲ تا ۸ است و pH واژن زن بین ۳٫۸ تا ۴٫۵ است. این محیط اسیدی برای جلوگیری از رشد میکروب‌ها ضروری است^۱. در صورتی که pH محیط واژن پایین باشد، اسپرم‌های حامل کروموزوم Y (که مسئول پسر بودن هستند) نمی‌توانند مدت زیادی زنده بمانند و در نتیجه اسپرم‌های حامل کروموزوم X (که مسئول دختر بودن هستند) شانس بیشتری برای بارور کردن تخمک خواهند داشت. اگر محیط pH واژن تغییر کند و بیشتر قلیایی شود، اسپرم‌های Y شانس بیشتری برای زنده ماندن و بارور کردن تخمک خواهند داشت.

بنابراین، حدیث پیامبر (ص) که فرمودند: «فَإِذَا اجْتَمِعَا فَعَلَا مِنِّي الرَّجُلُ مِنِّي الْمَرْأَةُ إِذْ كَرَا يَأْذِنُ إِلَهِهِ وَإِذَا عَلَا مِنِّي الْمَرْأَةُ مِنِّي الرَّجُلُ أَتَتْهَا يَأْذِنُ إِلَهِهِ» (۲۴) می‌تواند این‌گونه تحلیل شود که خاصیت قلیایی منی مرد و خاصیت اسیدی منی زن بر تعیین جنسیت تأثیر دارد. وقتی منی مرد (قلیایی) بر منی زن (اسیدی) غلبه کند، جنین پسر خواهد شد و برعکس، اگر منی زن غالب شود، جنین دختر خواهد شد.

۲/۴. نمونه تعارض روایات طبی با علم پزشکی

در برخی از روایات آمده است که پیامبر اسلام (ص) نسبت به ابتلا به عادت ماهانه در زنان بنی اسرائیل به‌عنوان

کیفر کارهای ناشایست آن‌ها اشاره کرده‌اند. برای مثال، در روایتی از عبدالرزاق، ابن مسعود نقل می‌کند که مردان و زنان بنی اسرائیل همه باهم نماز می‌خواندند و زنان برای مردان خود را می‌آراستند و به همین دلیل خداوند بر آن‌ها حیض را قرار داد و ورود آن‌ها به مساجد را منع کرد (۳۶؛ ۴۰). این روایات که ریشه در افکار یهودی دارند، ناشی از ناآگاهی نسبت به طبیعت بدن زن است. از دیدگاه کسانی که از علم بی‌اطلاع بودند، حیض به‌عنوان یک پدیده پلید و ناخوشایند به شمار می‌رفت؛ اما از منظر علمی، حیض یک امر طبیعی و در چرخه رشد زنان و بارداری آن‌ها ضروری است و فقدان آن نقص به حساب می‌آید. در تورات کنونی نیز در باب ۱۵ از سفر لاویان، قوانینی سخت در این خصوص آمده است: «اگر زنی صاحب جریانی باشد و جریان از بدنش خون حیض باشد تا هفت روز جدا خواهد بود و هرکسی که او را لمس کند تا شام ناپاک خواهد بود (۴۱).

اسلام در مقایسه با این دیدگاه‌ها، طرد زنان در ایام قاعدگی را ممنوع کرده و اجازه نمی‌دهد که آنان از خانه و زندگی اجتماعی خود طرد شوند. اسلام تنها نزدیکی با زنان حائض را به خاطر آسیب‌هایی که ممکن است در پی داشته باشد، حرام اعلام کرده است. پیامبر اسلام (ص) زمانی که مشاهده کرد برخی از مردم در دوران قاعدگی با زنان خود رفتار نادرستی دارند و از معاشرت و هم‌نشینی با آنان پرهیز می‌کنند، با این تفکر برخورد کرد و فرمود: «من تنها شمارا از مجامعت با زنان حائض نهی کردم، نه اینکه آنان را از خانه و خانواده خود بیرون کنید (۴۳).

اسلام همچنین به‌عنوان رویکردی متفاوت، در خصوص رنجی که زنان در دوران قاعدگی می‌کشند، دیدگاهی رحمانی دارد. بر اساس روایات، زن در ایام حیض ثواب زیادی به دست می‌آورد. پیامبر اسلام فرمود: «یک روز حیض شدن از عبادت یک سال بهتر است؛ عبادتی که شامل روزه‌داری روزها و قیام

مدت زمان قاعدگی از دستگاه تناسلی خارج می‌شود (۴۷). بسیاری از زنان با ریزش بافت پوششی آندومتر رحم طی قاعدگی مواجه می‌شوند. ریزش آندومتر به صورت قطعاتی از بافت رحم که با خون مخلوط است تظاهر می‌یابد، اغلب این قطعات بافتی، «لخته قاعدگی» نامیده می‌شود. این لخته قاعدگی معمولاً در زنانی که جریان خون قاعدگی شدیدتری از متوسط نرمال دارند، رخ می‌دهد. گاهی لخته قاعدگی به اشتباه سقط زودرس رویان تلقی می‌شود. آنزیمی موسوم به پلاسمین که در بافت آندومتر رحم وجود دارد مانع از تشکیل لخته در ترکیب مایع قاعدگی می‌شود. دوران قاعدگی چندین خصوصیت از نظر فیزیولوژیک دارد که باید به آن‌ها اشاره کرد (۴۸).

فیزیولوژی دوره قاعدگی

چرخه قاعدگی تغییرات فیزیولوژیکی در زنان است که در راستای تولیدمثل جنسی رخ می‌دهد. هرماه یک تخمک بالغ می‌شود و در این مدت بافت رحم برای نگهداری جنین آماده می‌شود. در صورت عدم لقاح، تخمک دفع شده و لایه آندومتر رحم ریزش می‌کند که به آن قاعدگی گفته می‌شود. در این زمان، کاهش هورمون‌های استروژن باعث تخریب بافت رحم می‌شود و خون‌ریزی از شریان‌های دیواره رحم آغاز می‌گردد (۴۹). این خون به دلیل ترشح فیبرینولیزین در رحم، منعقد نمی‌شود (۵۰). شرایط داخلی رحم در این زمان بسیار مستعد رشد میکروب‌ها است (51؛ 52)، زیرا خون در رحم محیطی مناسب برای تکثیر قارچ‌ها و باکتری‌ها می‌سازد. در صورت مقاربت، این میکروب‌ها می‌توانند وارد رحم شوند و باعث عفونت‌های باکتریایی و قارچی شوند (۵۳؛ ۵۴).

پرید طبیعی به‌طور ماهانه بعد از بلوغ در زنان اتفاق می‌افتد و در صورت بارداری متوقف می‌شود. در صورتی که فرد مشکلی نداشته باشد، این روند به‌طور منظم ادامه می‌یابد

شب‌ها باشد». در روایت دیگری آمده است که هرکسی در دوران قاعدگی بمیرد، شهید مرده است و هر زن که پس از حیض غسل کند، برای هر قطره آب غسل، خداوند چشمه‌ای در بهشت به او می‌دهد. علاوه بر این، هر مویی که در غسل شسته شود، برای او قصری در بهشت می‌سازد که به اندازه هفتاد برابر بزرگ‌تر از دنیا است و در آن قصر، چشم‌ها چیزی شبیه آن ندیده و قلب‌ها هیچ‌گاه آن را تصور نکرده‌اند (۴۴).

با توجه به این روایات، در مسئله حضرت زهرا (س)، باید توجه داشت که احادیثی که او را از این آلودگی‌ها منزه می‌دانند، نباید به‌گونه‌ای تفسیر شوند که این امر به معنای نقص در خلقت او باشد. بسیاری از نقل‌ها بر این باورند که علت حیض نشدن حضرت زهرا (س) به این دلیل بوده که در تمام مدت عمر خود یا باردار بوده‌اند یا بچه شیر می‌داده‌اند، زیرا برخی از زنان در این دوران‌ها حیض نمی‌شوند. با این حال، برخی از نقل‌ها به‌گونه‌ای گزارش کرده‌اند که گویا در مورد حضرت زهرا (س) این حالت اصلاً به وجود نمی‌آمده است (۴۵).

تفصیل مطلب

ازنقطه نظر علمی، مرحله یا دوره قاعدگی (menstruation) که در اصطلاح فقهی به آن زمان «حیض» گفته می‌شود، به مدت زمانی اطلاق می‌شود که مقداری خون از پوشش داخلی رحم از دستگاه تناسلی زن خارج می‌شود (46) و تا دوران یائسگی ادامه می‌یابد. مدت خون‌ریزی قاعدگی برای چند روز، معمولاً ۳-۵ روز طول می‌کشد، اما بین ۱۵-۲ روز نیز می‌تواند متغیر باشد. هر سیکل قاعدگی به‌طور متوسط ۲۸ روز طول می‌کشد، یک سیکل قاعدگی طبیعی بین ۲۱ تا ۳۵ روز متغیر است. دستگاه تناسلی زن (رحم) در این هنگام دچار تغییرات تخریبی بافتی و ریزش دیواره رحم شده و همراه سلول‌های تخریب‌شده، مقداری خون در اثر پاره شدن عروق شریانی دیواره رحم، به تدریج در طول

یافته‌های پزشکی نوین و تأثیر آن در فهم روایات طبی

(۵۵؛ ۵۶). فازهای قاعدگی عبارتند از: فاز خونریزی که معمولاً ۲ تا ۷ روز طول می‌کشد و خونریزی از واژن ادامه دارد؛ فاز فولیکولار که در آن تخمک از تخمدان آزاد می‌شود و هورمون‌ها توسط مغز ترشح می‌شوند؛ تخمک‌گذاری که در روز ۱۰ تا ۱۴ سیکل اتفاق می‌افتد و تخمک پس از ۲۴ ساعت اگر بارور نشود از بین می‌رود؛ فاز لوتئال که پس از تخمک‌گذاری آغاز می‌شود و در روز اول قاعدگی تمام می‌شود. در این فاز بدن پروژسترون تولید می‌کند که باعث ضخیم شدن دیواره رحم می‌شود. اگر فرد باردار نشود، سطح پروژسترون کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

طبق داده‌های پژوهش یافته‌های زیر به دست آمد:

۱. ارتباط میان یافته‌های نوین پزشکی و فهم روایات طبی، نقشی کلیدی در درک صحیح آموزه‌های دینی دارد.
۲. از آنجاکه معصومان (ع) از سرچشمه وحی بهره‌مند بوده و آگاه‌ترین افراد به علوم و معارف بشری هستند، امکان همخوانی و سازگاری روایات آنان با یافته‌های قطعی علمی امری معقول

و منطقی است.

۳. تعامل صحیح و علمی میان علوم دینی و پزشکی، نه تنها موجب تقویت بنیان‌های علمی در فهم حدیث می‌شود، بلکه از بروز سوءبرداشت‌ها و شبهات نیز جلوگیری خواهد کرد.

۴. بسیاری از مفاهیم مطرح‌شده در احادیث، از جمله تعیین جنسیت جنین و مباحث مربوط به قاعدگی، با پیشرفت‌های علمی قابل بررسی و تحلیل مجدد هستند. این رویکرد می‌تواند به تفسیر دقیق‌تر متون دینی و جلوگیری از برداشت‌های نادرست کمک کند.

۵. در بررسی روایات طبی، دو رویکرد اساسی مطرح است: نخست، تلاش برای تأیید علمی این روایات و نشان دادن هماهنگی آن‌ها با اصول قطعی علم پزشکی؛ دوم، تحلیل و نقد روایاتی که در ظاهر با علوم تجربی تعارض دارند. در این راستا، مشخص شد که برخی سوءبرداشت‌ها از روایات ناشی از عدم درک صحیح مفاهیم و اصطلاحات حدیثی است و با توجه دقیق به مبانی لغوی و اصول فهم حدیث، می‌توان بسیاری از این تعارضات را برطرف کرد.

References

1. Shahroudi, M.R. Ajdari, R. Farasati, A. Teaching Methods of Understanding Hadith in the Narrations of Imam Baqir (AS). *Studies in Quran and Hadith*. 2022; 15(2): Spring & Summer, 5. [Persian]
2. Delbari Hosseini, S.A. Pathology of Understanding Narrations: Conflicts, Causes, and Factors. *Journal of Theology and Law*. 2004; 11: Spring. [Persian]
3. Tabatabai, S.M.K. *Logic of Understanding Hadith*. 1st ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2011
4. Sajedi, A.F. *Methods of Resolving the Conflict Between Science and Religion*. Ma'rifat. 2001; 51
5. Rezaei, H. Ajdari, R. Examining the Claim of Conflict Between Medical Findings and Prophetic Hadiths Regarding the Possibility of Disease Transmission. *Journal of Quran and Medicine*. 2019; 9: Winter, 12-18. [Persian]
6. Hashemi Jazii, S.H. Ghafouri Najad, M. Nadem, M.H. Critical Examination of the Criteria for Textual Critique of Hadith from the Perspective of Iranian Quranic Scholars and Reflection on Its Theological Impacts. *Scientific-Research Quarterly Journal of the Islamic Theology Association*. 2020; 8(31): Winter. [Persian]
7. Koleini, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq Razi, *Sufficient Principles*, Dar al-Kitab al- Islamiya, 1988
8. Tusi, M.B.H. *Al-Ishtibsar fi Ma Ikhtalafa Fi al-Akhbar*. Edited by Seyyed Hasan Mousavi Khorasani. 1st ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah; 2011.
9. Javadi Amoli, A. *The Status of Reason in the Geometry of Religious Knowledge*. 1st ed. Qom: Asra; 2010.
10. Hosseinzadeh, M. *Foundations of Religious Knowledge*. 1st ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2001.
11. Izadi, M. Criteria for Evaluating Hadith Texts Based on the Narrative Sources of Both Sects. *Journal of Quran and Hadith Studies*. 2011; Spring & Summer: 5-26. [Persian]
12. Ashnawar, M. *Validation of the Criteria for Non-Contradiction of Hadith with Empirical Sciences in Understanding and Critiquing Hadith and Its Pathologies*. Supervised by Dr. Ebrahim Ebrahimi. PhD dissertation, Faculty of Humanities, Arak University; 2018. p. 3.
13. Soleimani, D. *Foundations of Hadith Jurisprudence*. *Journal of Articles and Reviews*. 2006; 90: Spring, 57-74. [Persian]
14. Maaref, M. Moradi, L. Examining the Application of Reason in Critiquing Narrations. *Scientific-Research Biannual Journal of Hadith Studies*. 2017; 9(18): Fall & Winter, 85-116. [Persian]
15. Ajdari, R. Rezaei, H. The Factor Determining the Gender of the Fetus in Prophetic Hadiths with a Doubt-Research Approach. *Journal of Quran and Medicine*. 1983; 9(1): 121. [Persian]
16. Piri Amirhajilo, Fatemeh, *jurisprudential review of genetic medical findings*, supervisor: Ali Tolaei, master's thesis, Yazd University, 2013
17. MalekZadeh F. *General microbiology*. Tehran: Aghigh publication; 1997. [Persian]
18. Sumner, A.T. Et Al. Distinguishing between x,y, and yy-bearing human spermatozoa by fluorescence and dna content, *new nature biology*, 1971:229
19. Ibn Majah, Muhammad Ibn Yazid, Sunan Al-Hafiz Abi Abdullah Muhammad Ibn Yazid Al-Qazwini Ibn Majah, Mhaqq: Ma'rouf, Bashar Awad, Beirut: Dar Al-Jil, 1418 AH
20. Phillips, Hazel Chesterman and Tessa Hilton, *Do You Want a Girl or a Boy?* trans. Farzaneh Karimi, Tehran: Qadiani Publications, 4th quarter, 2014
21. Ibn Fars, Ahmad Ibn Fars Ibn Zakaria Al-Qazwini Al-Razi, *Dictionary of the Comparative Word*, Dar Al-Fikr, 1399 AH
22. Mazandarani, Mulla Muhammad Saleh, *Sharh al-Kafi*, research: Abul Hasan Shearani, Beirut: Dar Ahya Al-Trath al-Arabi, first edition, 1421 AH
23. Nawī, Mohi al-Din, *al-Manhaj Sahih Commentary of Muslim Ibn al-Hajjaj*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH
24. Masoudi, Saeed, *Quran and contemporary culture*. Qom: Bo'stan Kitab, 2013
25. Bo'stani, Fawad Afram, *Farhang Abjadi*, Tehran: Islamic, 1375
26. Ibn Darid, Muhammad Ibn Hasan, *Jamrah Al-Legha*, Beirut: Dar El Alam for the Millions, 1988

27. Tabarsi, Ahmad Bin Ali, Al-Hitejaj Ali Ahl al-Jajj, researcher/corrector: Khorsan, Mohammad Baqir, Mashhad: Morteza Publishing House, 1403 AH
28. Bukhari, Muhammad ibn Ismail, Sahih al-Bukhari, Egypt: Dar al-Hadith, 1309 AH
29. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, Al-Ain, Library of the School of Jurisprudence, 1410
30. Qorashi, Ali Akbar, Quran Dictionary, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 1371
31. Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali, The Causes of the Shari'ah, Qom: Darvri Book Store, 1385
32. Ibn Saydeh, Ali Ibn Ismail, al-Mahkem wa al-Asha'am al-Azam, researcher/corrector: Handawi, Abdul Hamid, Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya, 1421 AH
33. Sahib, Ismail bin Abbad, Al-Ashain fi al-Laghy, scholar/corrector: Al Yassin, Muhammad Hasan, Beirut: Alam al-Kutub, 1414 AH
34. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, translation and research of vocabulary of Quranic words (Raheb Esfahani), Tehran: Mortazavi, 1374
35. Muslim bin Hajjaj, Sahih Muslim, revised by: Abd al-Baqi, Muhammad Fouad, Egypt: Dar al-Hadith, 1412 AH
36. Asqlani, Ibn Hajar Shahab al-Din, Fath al-Bari, Beirut: Dar al-Marafah, second edition, B.
37. Kulaini, M.B.Y. Al-Kafi. Edited by Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi. 1st ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah; 1986. Vol. 6, p. 8.
38. Ibn Hanbal, Ahmad bin Muhammad, Musnad al-Imam Ahmad bin Hanbal, researcher: Ghadban, Amer, Beirut: Al-Risalah Foundation, 1416 AH
39. Phillips, Hazel, Choose the gender of your child, translated by Farzaneh Karimi, Tehran: Qadiani Publications, 2017
40. Suyuti, J.D. Abdul Rahman. Al-Durr Al-Manthur fi al-Tafsir bil-Ma'thur. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah; 1990.
41. Adlabi, S.D. Manhaj Naqd al-Ma'in 'Ind Ulamā' al-Hadith al-Nabawi. 1st ed. Beirut: Maktabat Dar al-Afaq al-Jadidah; 1983.
42. T B Haugen, T Grotmol, pH of human semen, 1998 Apr;21(2):105-8. doi: 10.1046/j.1365-2605.1998.00108.x
43. Ibn Abi Jumhur, M. Awali al-La'ali al-Ghariziya fi al-Ahadith al-Diniya. 1st ed. Publisher: Matba'at Sayyed al-Shuhada; 1982. Vol. 2, p. 16
44. Noori, H.M. Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masa'il. 1st ed. Qom: Al al-Bayt (A) Institute for Revival of Heritage; 1987
45. Nafisi, Z. (Shadi). Criteria for Textual Critique in Hadith Evaluation. Journal of Articles and Reviews. 2001; 70: Winter, 121. [Persian]
46. Noori Hamedani H. Risalah towzih al-masa'el. Qom: Mahdi Mo'oud Institute; 1996. [Persian]
47. Newman LC. Understanding the auses and prevention of menstrual migraine: The role of estrogen. Headache. 2007;47 Suppl 2:S86-94
48. Izadi, M. Natural Interpretation of Verse 222 of Surah Al-Baqarah Regarding Women's Menstruation. Journal of Quran and Medicine. 2018; 3(1): 31-40. [Persian]
49. Best CH, Taylor NB, West JB. Best and Taylor's physiological basis of medical practice. 12th edition. Philadelphia: Willams & Wilkins; 1990. p. 38
50. Ganong WF. Review of medical physiology. 20th edition. New York: McGraw-Hill; 2001
51. MalekZadeh F. General microbiology. Tehran: Aghigh publication; 1997. [Persian]
52. Beishir L. Microbiology in practice. Sepehr Sh, Mobasheri F, Alavi M, Zakikhani M, translators. Tehran: Iran University press; 1992. p. 58. [Persian]
53. Peyghami E. Additional mycology. Tabriz: Ahrar-e Tabriz Publication; 1997. [Persian]
54. Koneman EW. Color atlas and textbook of diagnostic microbiology. Hajiya M, Rasouli Kh, Goudarzi MT, translators. Hamadan: Daneshjoo; 2000. p. 94. [Persian]
55. Emami M, Kordbacheh P, Moqadami M, Zeyni F. Medical mycology. Tehran: Tehran University press; 1991. p. 85. [Persian]
56. Brooks GF, Carroll KC, Butel JS, Morse SA, Mletzner TA. Jawetz, Melnick, & Adelberg's medical microbiology. Bahador A, MalekNezhad P, translators. Tehran: Samat; 2004. [Persian]

Contemporary Medical Discoveries and Their Implications for the Comprehension of Traditional Medical Narratives

Mohammad Reza Shahroodi^{1*}, Ramin Azhdari²

Abstract

The traditions of the infallibles (A) are considered one of the primary sources for understanding religion after the Holy Qur'an. A correct understanding of narrations plays a vital role in preventing religious and social misconceptions. Therefore, attention to the rules of properly comprehending hadiths, derived from the guidance of the Imams, is essential. Throughout history, scholars have emphasized the significance of referring to the words of the Ahl al-Bayt (A) alongside the Qur'an, as these narrations clarify many religious and ethical teachings. Definitive human scientific findings serve as an important standard in discerning authentic from weak narrations and verifying the credibility of hadith texts. This article, using a descriptive-analytical method, examines the impact of modern medical science on the correct understanding of medical narrations and shows that scientific knowledge, particularly in medicine, can greatly aid in the interpretation of these texts. Especially in the contemporary era, with rapid scientific advancements, this interaction holds even greater importance. At times, an apparent contradiction exists between hadiths and experimental sciences, but through careful text analysis and adherence to hadith comprehension principles, logical interpretations or harmonizations can be reached. Examples like determining fetal gender and women's menstruation demonstrate that integrating medical science and hadith contributes to clarifying religious concepts and correcting misconceptions, strengthening faith through reason and awareness.

Keywords: Fetal Gender Determination, Hadith Studies, Medical Narrations, Medical Science, Menstruation.

1*. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
mhshahroodi@ut.ac.ir

2. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies; University of Tehran, Tehran, Iran

ramin.azhdari1398@ut.ac.ir